

# مجدالدین فیروزآبادی، مؤلف قاموس اللغة

یا

## سهم ایرانیان در نهضت فرهنگ نویسی به زبان عربی

دکتر محمود یزدی مطلق

دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

در حوزه اسلامی، علمی که مربوط به فهم صحیح زبان عربی و درک معانی لغات و مشکلات دقایق و وجوه گوناگون آن است، قبیله: علم صرف، نحو، اشتقاق، لغت و... مقدم بر بیشتر دانشها بوده است. و ایرانیان در تألیف و تدوین این دانشها به ویژه، لغت، سهمی بسزا داشته‌اند و ما در این مقاله نام چهارده تن از علمای مشهور و مسلم ایرانی را در این زمینه یاد کرده‌ایم که واسطه العقد آنها مجدالدین فیروزآبادی، صاحب کتاب قاموس، می‌باشد. همچنین تحلیلی گسترده از آثار مطبوع و مخطوط او به عمل آمده و آنچه از نسخه‌های دستنوشته فیروزآبادی که در کتابخانه‌های عالم به نظر رسیده است، نشان داده‌ایم؛ با بیان نکات قابل عنایتی از زندگانی او، که امید است پژوهشگران را مفید افتد.

بیان این‌که نهضت لغت نامه‌نویسی در اسلام تا چه اندازه مرهون تلاشهای مستمر و مجدانه ایرانیان می‌باشد؟ منوط به ذکر محیط و موقعیت آنان در عرصه فرهنگ و تمدن، پیش از اسلام و بعد از ظهور آیین مقدس اسلام، به ویژه سده هشتم و نهم هجری است که نتیجتاً ما را به وادی وسیعی می‌کشاند که خروج از این وادی را مشکل بلکه در این مجال و مقال، غیرممکن می‌سازد.

لکن در این جا به حکم: مالایدرک کله لایترک کله، می توان به طور اجمال اشاراتی داشته و خواننده محترم را به کتابهایی همچون مقدمه ابن خلدون بر کتاب العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی ایام العرب و العجم... که نویسنده در اواخر سده هشتم می زیسته و در حوزه تمدن اسلامی، دانش را در انحصار ایرانیان می داند و کتاب جهانگشای جوینی و حوادث الجامعه ابن فوطی، و رحله ابن بطوطه و... حواله داد.

ظهور آیین مقدس اسلام و نزول قرآن به تمام پراکندگی های اجتماعی و اعتقادی اعراب خاتمه بخشید و هیچگونه اختلاف نظری وجود نداشت، زیرا صفای باطن صحابه و تعلیمات صریح حضرت محمد (ص)، و دسترسی مسلمین به منبع وحی، مانع بروز هرگونه اختلاف بود. اما همین که پیشوای عالی قدر اسلام درگذشت، حس کنجکاوی مسلمین بیدار شده و برخورد فکری آنان با گروههای مختلف و ورود عناصر بیگانه درحوزه های اسلامی، پیروان قرآن را بر آن داشت تا راهی پیش گیرند تا اصالت کلام خدا و سنت نبوی را حفظ کنند و تعالیم عالیة اسلام را از خطرات کژاندیشی نگهدارند و قرآن کریم و حدیث نبوی (ص) را صحیح بخوانند و درست بفهمند.

لذا علمی که مربوط به فهم صحیح زبان عربی و درک معانی لغات و مشکلات و دقایق و وجوه گوناگون آن از قبیل: علم صرف، نحو، اشتقاق، لغت و... بود، مقدم بر بیشتر دانشها بوده است و ایرانیان در تألیف و تدوین این دانشها به ویژه لغت، سهمی بسزا داشته اند و ذیلاً به ذکر نام چهارده تن از علمای مشهور و مسلم ایرانی در این زمینه می پردازیم که واسطه العقد آنها مجدالدین فیروزآبادی می باشد:

۱- أبو الوعمیث، عبدالله خلید (خالد) متوفی ۲۴۰ هـ. ق؛ که در ری زاده شده و در خراسان، کاتب والی خراسان، طاهر بن حسین و آموزگان فرزندش، عبدالله بوده است.

او دارای کتابی است به نام المأثور فیما اتفق لفظه و اختلف معناه که در سال ۱۹۲۵ م در لندن منتشر شده است<sup>(۱)</sup>. و چند اثر دیگر نیز دارد.

۲- ابوالحسن عبدالرحمان بن عیسی بن حماد کاتب همدانی متوفی

۳۲۰ هـ. ق، لغوی، شاعر و ادیب که کاتب ابی بکر بن عبدالعزیز بن ابی دلف بوده است و مؤلف کتاب **ألفاظ الأشباه والنظائر**، که از مصادر تفلیسی در تألیف کتاب **قانون الادب** بوده است. کتاب همدانی نیز در استانبول، قاهره، بیروت و تونس چاپ شده است<sup>(۲)</sup>.

۳- عبدالرحمان بن بُرُوج (بزرگ) متوفی ربع اول قرن سوم هجری؛ مؤلف کتاب **النوادر** در لغت، که ازهری از آن بهره جسته است.

۴- ابو عبدالرحمان عبدالله بن محمد بن هانی نحوی نیشابوری متوفی ۲۳۶ هـ. ق؛ نویسنده کتاب **نوادر العرب و غرائب ألفاظها**، که طبق اظهار ازهری کتاب بزرگی بوده است بالغ بر دو هزار برگ.

۵- ابوالمنذر نُصیرین یوسف رازی نحوی، متوفی ۲۴۰ هـ. ق؛ مؤلف کتاب **فی اللغة**، که از جمله مصادر ازهری بوده است.

۶- ابوالوازع محمد بن عبدالخالق خراسانی، متوفی ۲۳۰ هـ. ق؛ عالمی لغوی و نحوی بوده است و کتاب **نوادر الأعراب = اعراب از اوست**.

۷- ابوتراب خراسانی، متوفی حدود سال ۲۷۵ هـ. ق؛ مؤلف کتاب **الاعتقاب** که فرهنگنامه‌ای بزرگ بوده است و شامل مترادفات. ازهری این کتاب را ستوده است.

۸- ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان متوفی ۳۲۲ هـ. ق که از مردم ری بوده است و مؤلف کتاب **الزینة** که شامل اصطلاحات اسلامی است و چاپ شده<sup>(۳)</sup>.

۹- ابوحامد احمد بن محمد بَشتی خَازَرَنجی خراسانی، متوفی ۳۴۸ هـ. ق؛ صاحب کتاب **تکملة کتاب العین** که فرهنگنامه معروفی است از خلیل بن احمد. در هر حال میدانی در کتاب **مجمع الامثال**، مکرر از تکمله خازرنجی یاد کرده است<sup>(۴)</sup>.

۱۰- احمد بن ابراهیم (اسماعیل) بن سَمَكَةُ قُمی، متوفی حدود سال ۳۵۰ هـ. ق، مؤلف کتاب **الأمثال**<sup>(۵)</sup>.

۱۱- ابوبکر محمد بن اسحاق اهوازی که پیش از سال ۳۵۰ هـ. ق؛ می‌زیسته و مؤلف کتاب: **النحل و اجناسه**<sup>(۶)</sup> می‌باشد.

۱۲- حمزه اصفهانی، ابو عبدالله حمزه بن حسن درگذشته پیش از سال ۳۵۰ هـ ق؛ لغوی، ادیب و مورخ، و از شاگردان ابن دزید و ابن انباری و مؤلف کتاب الخصائص و الموازنة بين العربية و الفارسية و... (۷).

۱۳- صاحب بن عبّاد، اسماعیل بن عبّاد طالقانی قزوینی معتزلی، متوفی ۳۸۵ هـ. ق؛ وزیر مؤیدالدوله، که نادره دهر و اعجوبه زمان بوده و شاگرد ابن فارس لغوی (۸) و مؤلف کتاب المحيط فی اللغة در هفت مجلد به ترتیب حروف معجم که، کثیر اللفظ و قلیل الشواهد است (۹)، و کتاب جوهره الجمهره، که کتاب الجمهره فی اللغة بزرگترین کتاب لغتی را که ابن دزید، محمد بن حسن متوفی ۳۲۱ هـ. ق؛ نوشته است، صاحب بن عبّاد گزین کرده است و به نام جوهره الجمهره موسوم داشته است (۱۰).

و بسیاری دیگر که ذکر آنها از حوصله این مقال خارج است.

۱۴- قاضی القضات ابوطاهر، مجدالدین محمد بن یعقوب بن محمد بن ابراهیم بن عمر بن ابی بکر بن أحمد بن محمود بن ادریس بن فضل الله بن شیخ ابواسحاق ابراهیم بن علی فیروزآبادی (۱۱)؛ که در زمینه فقه اللغة، و تحقیق و تدوین لغات عربی همچون خلف صالح خود تحقیقات بدیعی در لغت عرب کرده است و در تکوین و تکامل این زبان سهم بسزایی را به عهده داشته است.

## تاریخ و محل تولد فیروزآبادی

عموم مورّخین اسلامی، به ویژه سخاوی، که مفصلترین شرح حال را برای فیروزآبادی نوشته است. اجماع دارند بر این که ولادت او در ربیع الآخر و یا جمادی الآخر سال ۷۲۹ هـ. ق بوده است.

اما زادگاه فیروزآبادی، به نقل شاگردش ابن حجر عسقلانی، متوفی ۸۵۲ هـ. ق، کازرون است (۱۲)، و سخاوی که احوال دانشمندانی را که بین سالهای ۸۰۱ تا ۹۰۰ هـ ق درگذشته‌اند ذکر کرده است، همین قول را پذیرفتند (۱۳)، و ابن عماد حنبلی متوفی ۱۰۸۹ هـ. ق (۱۴) و جلال الدین سیوطی متوفی ۹۱۱ هـ. ق (۱۵) و اسماعیل پاشا بغدادی (۱۶) و خوانساری (۱۷) متوفی ۱۳۱۳ هـ. ق، زادگاه

فیروزآبادی را کازرون نوشته‌اند و طاش کُپریی زاده نام محل تولد او را در کارزین ثبت نموده است<sup>(۱۸)</sup>.

لکن فیروزآبادی، خود در کتاب قاموس، ذیل کلمه «کَزَز» گوید: کارزین، بلد به فارس، منه محمدبن الحسن مُقَرِّیء الحرم، و به وُلْدَتُ... و در مادّه «کَزَز» و «کازر» و «کازرُون» به فتح زاء، چنین اشارتی ندارد.

پس به طور قطع، زادگاه فیروزآبادی «کازرین» بوده است چنان‌که شیخ نصر الّهوری‌نی متوفی ۱۲۹۱ هـ. ق<sup>(۱۹)</sup> و حاج شیخ عباس قمی متوفی ۱۳۵۹ هـ. ق<sup>(۲۰)</sup> و فرصت‌الدوله شیرازی<sup>(۲۱)</sup> و بسیاری دیگر بر این امر تصریح کرده‌اند.

## کارزین

یاقوت در معجم البلدان، گوید: کارزین: بفتح راء و کسر زاء و یاء و نون، نام یکی از شهرهای فارس است<sup>(۲۲)</sup>. و اسطخری آن را شهرکی کوچک توصیف کرده است که جزو نواحی اردشیر خرّه می‌باشد<sup>(۲۳)</sup>. و ابن حوقل گوید: کارزین در جنوب فارس واقع است و گرمسیر، که قُهندزی (مُعَرَّب کهن دژ، به معنی قلعه قدیمی، ارک شهر) در اندرون حصار شهر رِیْضی (حصار، قلعه، باره) دارد. و در میان رودهای فارس، رودی آبادکننده‌تر از «سگان» وجود ندارد که به کارزین وارد می‌شود و آن‌جا را آبیاری می‌کند. و از فسا تا کارزین ۱۸ فرسخ و از فسا تا جهرم ۱۰ فرسخ و تا کارزین ۸ فرسخ است<sup>(۲۴)</sup>. ابن خردادبه در ذکر کوره اردشیر خوره گوید که یکی از رُستاقهای (رُستاق به معنی، روستا، ده می‌باشد) آن... کارزین است. و از جمله آثار بازمانده از دوران قدیم «قدمگاه کارزین» است که تخته‌سنگی است و بر آن نقشی از دوران پارتی (ظاهراً) وجود دارد<sup>(۲۵)</sup>.

خلاصه آن که فیروزآبادی در کارزین زاده شده است و پدر و مادرش در آن‌جا ساکن بودند. فیروزآبادی دوران کودکی خود را در قصبه کارزین سپری کرده و در سن هفت سالگی قرآن کریم را حفظ نموده است و در هشت سالگی به شیراز می‌آید و به تحصیل علم می‌پردازد. ابتدا نزد پدرش سپس نزد عبدالله بن محمود بن نجم و دیگران دانش می‌آموزد و مسافرت‌هایش شروع می‌شود که اکثر مورخین نوشته‌اند و

نیاز به ذکر آنها نیست.

نکته قابل ذکر آن که بیشتر تحقیقات و مطالعات فیروزآبادی پیرامون علوم نقلی بوده است.

### خاندان فیروزآبادی

اطلاع زیادی درباره خاندان فیروزآبادی در دست نیست، همین قدر می دانیم که پدرش از علمای لغت و ادب شیراز بوده است و در آغاز این گفتار نسب او را بیان داشتیم که به ابواسحاق شیرازی، ابراهیم بن علی، متوفی به ۴۷۶ هـ. ق، می رسد که از فقهای برجسته شافعی مذهب بوده است و آثار ارزنده ای از او بجای مانده از قبیل کتاب التنبیه و المهدب و...

ابن حجر، که شاگرد فیروزآبادی بوده است بر استادش به خاطر این نسب خورده گرفته است و می گوید که ابواسحاق، فرزند نداشته است و چگونه فیروزآبادی خود را به او منسوب می سازد؟! (۲۶).

علت این اعتراض آن است که در شیراز در سده پنجم هجری دو نفر از دانایان می زیستند که هر دو به نام ابواسحاق ابراهیم شیرازی موسوم بوده اند و همین امر باعث شده است تا ابن حجر میان این دو تن اشتباه کند، یکی از این دو، به نام امام ابواسحاق ابراهیم بن محمد شیرازی، فقیه برجسته شافعی مذهب متوفی ۴۷۶ هـ. ق که حاجی خلیفه آثار او را به تفصیل نقل کرده است (۲۷) و دیگری: قطب الاولیا، شیخ مرشد ابواسحاق ابراهیم بن شهریار کازرونی متوفی ذیقعد ۴۲۰ هـ. ق است که پدرش - شهریار - در آغاز جوانی اسلام آورد و مادرش - بانویه - نام داشت. شصت و چهار خانقاه به دست او بنا شد، بیست و چهار هزار گبر و یهود به دست او مسلمان شدند و پیوسته با کفار در مبارزه بوده است، لذا به او «شیخ غازی» گفتند. سن او ۷۳ سال بوده، بیشتر ائمه و مشاهیر فضلا و اعظام سلاطین آن عصر به وجود مبارکش مفتخر بودند، و با شیخ ابوسعید بن ابی الخیر معاصر و میان ایشان مکاتباتی رفته. از جمله شیوخی که او را درک کرده اند شیخ ابواسحاق ابراهیم بن علی بن یوسف فیروزآبادی فقیه شافعی عصر خود متوفی، ۴۷۹ هـ، که

سابقاً ذکر او گذشت. این ابواسحاق عارف بلاعقب بوده است چون تا آخر عمر ازدواج نکرده است (۲۸). چون او اهل ریاضت بوده و یکی از ریاضت‌های مستمر او عبادت بود از اجتناب از تأهل و صحبت زنان. خود او می‌گفت: «که پیش من چه زنی است و چه دیواری، و اگر چنین نبود زن کردمی» نظیر این سخن را از عارف همعصرش با یزید نیز نقل کرده‌اند (۲۹).

شرف‌الدین شیرازی که وقایع سالهای ۶۹۷ تا ۷۲۸ هـ. ق را در تاریخ خود ثبت کرده است گوید: در ذیحجه سال ۶۹۸ هـ. ق ملک معزالدین با نصرت خان که سردار سپاه او بوده به سوی یکی از مشهورترین بلاد هند رفت... از جمله غنائم، بتی بود به نام سومنات... بعد از مدتی از تخریب بتخانه، سنگی یشم رنگ از آنجا یافتند در غایت لطافت. یکی از تجار فرمود تا از آن محرابی ساختند و اطرافش را آیات نگاهشتند. چون پرداخته گردید آن را تبرکاً بر مقبره قطب‌الاولیاء الشیخ المرشد ابواسحاق ابراهیم‌بن شهریار بفرستاد. هم در آن نزدیکی قبه‌ای بر سر قبر او برافراشتند و آن سنگ را در طرف راست آن به کار گذاشتند. من به زیارت آن بقعه نایل آمده‌ام و قصیده‌ای سروده‌ام... عبدالمحمد آیتی در تحریر دوم این تاریخ، آن قصیده را نقل کرده است (۳۰).

در هر حال گمان می‌رود که فیروزآبادی نسبش به ابواسحاق ابراهیم‌بن محمد شیرازی فقیه می‌رسد نه این دوومی و همین امر موجب اشتباه ابن حجر شده است.

## استادان فیروزآبادی

او ابتدا مقدمات علوم را نزد پدرش، یعقوب بن محمد فرا می‌گیرد، در سن هشت سالگی به شیراز می‌آید و در آنجا نزد ابی‌عبدالله محمد بن یوسف أنصاری زرنندی مدنی، صحیح بخاری و جامع ترمذی را فرا می‌گیرد. در سن ۱۶ سالگی به سال ۷۴۵ هـ. ق به عراق می‌رود، ابتدا در شهر واسط نزد احمد بن علی دیوانی به تحصیل قرائت‌های ده‌گانه می‌پردازد و در این سال به بغداد می‌آید و تا سال ۷۵۵ هـ. ق حدود ده سال از محضر اساتید بزرگی کسب فیض می‌نماید از جمله:

۱- تاج‌الدین محمد بن سبک، ۲- حافظ سراج‌الدین أبو حفص عمر بن علی قزوینی متوفی ۷۵۰ هـ. ق، ۳- محیی‌الدین محمد بن عبداللّه واسطی بغدادی معروف به ابن عاقولی متوفی رمضان ۷۶۸ هـ. ق، ۴- عبداللّه بن بکتاش، قاضی بغداد و مدرس نظامیه، ۵- نصر اللّه بن محمد کتبی<sup>(۳۱)</sup>، ۶- فخرالمحققین، أبوطالب محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر حلّی متوفی شب ۲۵ جمادی الآخر ۷۷۱ هـ. ق، پسر علامه حلّی. چنان‌که فیروزآبادی خود در اجازه‌ای که به ابن حلوانی داده است به این موضوع تصریح کرده است و احمد فارس شدیاق، صورت اجازه را این چنین آورده است<sup>۳۲</sup>:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على نعمه الباطنة والظاهرة ومنه المتوفرة المتظاهرة. والصلوة على محمد المبعوث بالحجج البالغة واصحابه الانجم الزاهرة وعترته الطيبة الظاهرة. و بعد يقول فقير رحمة الله تعالى ابوطاهر محمد بن يعقوب بن محمد الفيروزآبادي الشيرازي سدد الله افعاله واقواله وهداه من الامور لما هو ابقى واكوى له: اجزت للمولى الامام الحبر الهمام البحر الهلquam زبدة فضلا الأيام فخر علما الأنام عماد الملة والدين عوض الفلك آبادي الشهير بابن الحلوانى سقاه الله تعالى من الكلم الغر عذاب نطافها كما رزقه من أثمار العلوم لطف اقطافها ان يروى عني هذا الكتاب المسمى بالتكملة والذيل والصلة لكتاب تاج اللغة وصحاح العربية بحق روايتى اياه عن شيخى و مولاي علامة الدنيا بحر العلوم وطود العلى فخرالدين أبى طالب محمد بن الشيخ الامام الاعظم برهان علماء الأمم جمال الدين أبى منصور الحسن بن يوسف بن المطهر الحلّى بحق روايته عن والده بحق روايته عن مؤلفه الإمام الحجة برهان الأدب ترجمان العرب ولى الله الوالى رضى الدين أبى الفضائل الحسن بن محمد الصغانى رضى الله عنه وارضاه و قدس مهجعه و مثواه و فى حظائير الانس اسكنه و آواه وكذلك اجزت له رواية سائر مؤلفاته ومصنّفاته ورواية ما للرواة فيه مدخل و للنقل عليه معول و انا برئى من الخلل و التحريف و الزلل و التصحيف و كتبت هذه الأحرف في شهر ربيع الاوّل عمت محاسنه سنة سبع و خمسين و سبعمائة بمدينة لاوند حامد الله تعالى على عوارف نعمته و ذوارف نواله



مصلیاً مسلماً علی سیدنا محمد المصطفی و صحبه و آله.

فیروزآبادی در سال ۷۵۵ هـ ق به دمشق و بعلبک و حماة و حلب و قدس رفت و در ظرف ده سال محضر بیش از یکصد استاد را درک کرده تا آن که خود به تدریس پرداخت. شهرت علمی او فراگیر شد و بسیاری از دانشجویان تلاش می‌کردند تا درس او را درک کنند و از آن جا به قاهره و رمله رفت، و از شهرهای شمالی و شرقی دیدار نمود... (۳۳)

### شاگردان و راویان از فیروزآبادی

بسیاری از طلاب و علمای مصر و یمن و حجاز... جزو شاگردان او بوده‌اند که مشهورترین آنان عبارتند از:

- ۱- حافظ شهاب‌الدین احمد بن علی بن حجر عسقلانی متوفی ۸۵۲ هـ. ق، که علم لغت را از فیروزآبادی فرا گرفته است (۳۴).
- ۲- تقی‌الدین محمد بن محمد بن عبدالعزیز مصری معروف بابن فهد متوفی ۸۱۷ هـ. ق.
- ۳- برادر ابن فهد، والی‌الدین ابوالفتح عطیه
- ۴- دو پسرش فخرالدین ابوبکر و حافظ نجم‌الدین عمر
- ۵- شرف‌الدین اسماعیل بن ابی‌بکر بن عبدالله زبیدی معروف بابن المقری متوفی ۸۳۸ هـ. ق
- ۶- ابوبکر بن محمد بن ابراهیم مرشدی
- ۷- امین‌الدین سالم بن ضیاء‌الدین محمد قرشی مکی
- ۸- شاکر بن عبدالغنی
- ۹- محمد بن علی، معروف بابن ألواحی
- ۱۰- رضی‌الدین ابوحامد محمد بن محمد بن ظهیرة
- ۱۱- محمد بن مقبل حلبی
- ۱۲- زین‌الدین ابوالعباس احمد بن عبداللطیف شرحی حنفی زبیدی (۳۵)
- ۱۳- حافظ جمال‌الدین ابو عبدالله محمد بن ابی‌بکر بن محمد صالح همدانی

تفرشی حیلی معروف بابن الخياط، متوفی ۸۳۹ هـ. ق (۳۶)

۱۴- فخرالدین، احمد بن محمد بن ابی بکر بن محمد شیرازی شارح قصیده «برده» که آن را از استادش فیروزآبادی روایت کرده است و به نام «نزهة الطالبین و تحفة الرغبین» موسوم داشته است. وی را دو شرح بر قصیده برده است یکی مختصر و دیگری مفصل (۳۷) و بسیاری دیگر که ذکر آنها از حوصله این مقال خارج است.

### آثار و تألیفات فیروزآبادی

کثرت و تنوع آثار فیروزآبادی دلیلی است بر تبخّر و مهارت وی در علوم ادبی و نقلی، و در رشته‌های مختلف لغت، تفسیر، علوم قرآنی، حدیث، فقه و تراجم رجال و... کتابهای متعددی نگاشته است که اغلب آنها از بین رفته است و ذکر همه آنها به زمان دیگر حواله می‌شود. از میان ۶۷ کتابی که به فیروزآبادی نسبت داده شده است، هشت کتاب چاپ شده است و از نسخه‌های خطی دوازده کتاب دیگر هست که چاپ نشده است و ما از نسخه‌های خطی آنها اطلاع داریم. در این جا صورتی از تألیفات فیروزآبادی از نظر می‌گذرد:

۱- إثارة الحجون لزیارة الحجون = اشاره الحجون إلى زیارة الحجون.

به طوری که از خطبه این کتاب به دست می‌آید، فیروزآبادی آن را در یک شب تألیف نموده است (۳۸). این کتاب در حدیث است و شامل سیره پیامبر اسلام (ص) به نقل از آداب اللغة، نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه خدیویه موجود است در ۲۰۰ صفحه.

(حَجُّونٍ اَوَّلُ به معنی شخص کسل است و حجون دوّم نام کوهی است در بالای مکه)

۲- الاحادیث الضعیفه. از نسخه‌های خطی این کتاب اطلاعی در دست نیست (۳۹). این کتاب مشتمل بر چند مجلد بوده است.

۳- احاسن اللطائف فی محاسن الطائف (۴۰)

۴- الإسعاد بالاصعاد إلى درجة الجهاد = الإسعاد بالاصعاد إلى درجة

الاجتهاد = الإصعاد إلى رتبة الاجتهاد.

این کتاب شامل سه و یا ۴ مجلد بوده است که آن را برای اشرف اسماعیل، حاکم یمن نگاشته است (۴۱).

۵- أسماء الحمد.

نام این کتاب را فقط سخاوی نوشته است (۴۲).

۶- أسماء السراح في أسماء النكاح = أسماء السراح في أسماء النكاح =

اسماء السراج (۴۳) = اسماء السراح فی ...

۷- أسماء الغادة في أسماء العادة (۴۴)

۸- أسماء النكاح (۴۵). آیا ممکن است که همان کتاب مذکور در ردیف ۶

باشد؟

۹- الا غبطا بمعالجة ابن الخياط.

پاسخ پرسشهایی است که پیرامون ابن عربی شده است (۴۶).

۱۰- امتضااض السهاد في افتراض الجهاد = امتضااض ... = امتصاص الشهاد

فی افتراض الجهاد (۴۷).

۱۱- الألفاظ الخفية في اشرف الحنفية = ... الخيفة (۴۸).

۱۲- انواء الغيث في أسماء الليث (۴۹).

۱۳- اوهام المجل. ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس بن زكريا قزوینی

متوفی ۳۹۵ هـ. ق کتاب موجزی در لغت فصیح نگاشته است به نام مجمل اللغة و

فیروزآبادی پس از مطالعه آن کتاب با همه احترامی که برای ابن فارس قائل بوده

است لکن اشتباهات ابن فارس را در این کتاب گرفته که عدد آنها به هزار می رسد و

کتاب حاضر را ساخته و به نام اوهام المجل موسوم داشته است (۵۰).

۱۴- بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزيز (۵۱). این تفسیر در شش

مجلد به سال ۱۳۹۲ هـ. ق در قاهره چاپ و توسط المجلس الأعلى للشؤون الاسلامیه

منتشر گردیده است.

۱۵- بلاغ التلقين في غرائب اللعين (۵۲).

۱۶- البلغة فی تاریخ ائمة اللغة = البلغة فی تراجم ائمة النحو و اللغة = ...

النحاة و اللغة<sup>(۵۳)</sup>. این کتاب در سال ۱۹۷۲ م در دمشق چاپ شده است، و دو نسخه خطی آن را بروکلیمان نشان داده است.

۱۷- تثقیف الاسل فی تفضیل العسل = تثبیت...<sup>(۵۴)</sup>.

۱۸- التجاریح فی فوائد متعلقة بأحادیث المصابیح = التخاریح...<sup>(۵۵)</sup>

یادداشت‌هایی است که فیروزآبادی بر کتاب مصابیح السنّة، تألیف حسین بن مسعود قرّاء بغوی شافعی، متوفی ۵۱۶ هـ. ق، نگاشته است.

۱۹- تحبیر الموشین فیما یقال بالسنین و الشین = تحبیر... = تحبیر الموشین

فی التعبیر بالسنین و الشین = تحبیر الموسین...<sup>(۵۶)</sup>.

این کتاب در سال ۱۳۲۷ هـ در الجزائر و نیز در بیروت چاپ شده است.

۲۰- تحفة الابیه فیمن نسب إلى غیرایه = تحفة الابیه فیمن ینسب إلى

غیرایه<sup>(۵۷)</sup>.

این کتاب در سال ۱۳۷۱ هـ. ق (۱۹۵۱ م) با تحقیق عبدالسلام هارون در

قاهره چاپ شده است و ضمن نوادر المخطوطات، مجموعه الاولی در صفحه ۱۱۰ منتشر شده است. نسخه خطی در الجزایر دارد.

۲۱- تحفة القماعیل فیمن یُسمی (تُسمى) من الملائکة و الناس

باسماعیل<sup>(۵۸)</sup>.

(اقماعیل جمع قمعال است به معنی رئیس قوم)

۲۲- ترفیق (ترقیق) الأسل فی تصفیق العسل = فی أسماء العسل<sup>(۵۹)</sup>.

این کتاب در چند دفتر است. نسخه خطی آن به شماره ۵۰۶۰ به خط نسخ

بدون تاریخ در کتابخانه رضوی موجود می‌باشد.

۲۳- تسهیل طریق الوصول إلى الأحادیث الزائدة علی جامع الاصول =

تسهیل الوصول...<sup>(۶۰)</sup>.

کتاب جامع الاصول لأحادیث الرسول تألیف ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد

شافعی متوفی ۶۰۶ هـ ق است که فیروزآبادی چیزهایی بر آن افزوده است، و آن را

به خاطر ناصر بن اشرف، حاکم یمن در چهار مجلد نگاشته است.

۲۴- تعیین العُرفات للمعین علی عین عَرَفَات<sup>(۶۱)</sup>.

## ۲۵- تنویرالمقباس فی تفسیر ابن عباس (۶۲)

این کتاب در چهار مجلد است که در سال ۱۳۱۴ هـ ق در مصر درهامش در المنشور و بار دیگر در مصر به سال ۱۳۵۶ هـ ق و در بولاق به سال ۱۲۹۰ هـ ق و در بمبئی به سال ۱۲۸۰ هـ ق چاپ سنگی شده است. فیروزآبادی اخباری که از ابن عباس در تفسیر آیات نقل شده در این کتاب جمع آوری کرده است. ابن عباس تفسیر نداشته است.

## ۲۶- تهییج الغرام إلى البلاد الحرام (۶۳)

۲۷- تیسیر فاتحة الاباب فی تفسیر فاتحة الكتاب = تیسیر فاتحة الاباب

(الایاب) ... = تیسیر فاتحة الإهاب... (۶۴) در یک مجلد بزرگ.

۲۸- جلیس الأنیس فی أسماء الخندریس (۶۵). این کتاب در یک مجلد

است در بیان تحریم و اسماء و اوصاف خمر به ترتیب حروف برابر آنچه در قرآن و حدیث و اقوال علما آمده است. فیروزآبادی این کتاب را به نام سلطان شعبان بن سلطان حسین بن ملک ناصر محمد نوشته است و قدیمی ترین نسخه خطی آن با تحریر ۷۷۷ هـ ق با یادداشت: «برسم خزانه السلطان الملك الاشرف شعبان خلدالله سلطانه» در دارالکتب مصر موجود است.

(خندریس به معنی شراب است)

۲۹- حاصل کُورَة الخلاص فی فضائل سورة الإخلاص (۶۶).

۳۰- الدر الغالی فی الأحادیث العلوالی (۶۷).

۳۱- الدرالتظیم المرشد إلى مقاصد القرآن العظیم = الدرالنظیم الی

فضائل القرآن العظیم (۶۸).

به نقل شادروان ابن یوسف شیرازی، نسخه خطی این کتاب در کتابخانه

مجلس موجود است. در کتابخانه رضوی نسخه‌ی به همین نام به شماره ۳۳۴۲ موجود است که مؤلف آن را عبدالله بن اسعدیافعی نگاشته است باید مقابله شود.

۳۲- الدرر المُبثَّثة فی العُرر المثلثة = العُرر المثلثة و الدرر المبیثَّة (۶۹).

در دارالکتب مصر، نسخه‌های متعددی از این کتاب موجود است و مرحوم

محمدعلی تربیت نسخه‌ای از این کتاب را در اختیار داشته است که به خط

عبدالرحیم پسر فیروزآبادی در سال ۷۷۳ هـ. ق، تحریر یافته است.  
 ۳۳- روض المسلوف فیما له اسمان الی الالف (الوف) (۷۰).  
 ۳۴- روضة الناظر فی درجة الشيخ عبدالقادر (۷۱) = روضة الناظر فی  
 ترجمة...

ظاهراً همان شیخ عبدالقادر گیلانی باشد؟  
 ۳۵- زادالمعاد فی وزن بانت سعاد و شرحه (۷۲). در یک مجلد.  
 ۳۶- سفر السعادة. این کتاب در هامش کتاب النور الکبیر مع فتح الخبیر در  
 اصول تفسیر، تألیف شاه ولی الله بن عبدالرحیم دهلوی در مصر بدون تاریخ چاپ  
 شده است (۷۳). اسماعیل پاشا بغدادی، شرح قصیده بانت سعاد را کتاب مستقلاً  
 معرفی کرده است.

۳۷- شرح حال رضی الدین صغانی (۷۴). رساله‌ای است در دو صفحه که  
 شرح حال کوتاهی از رضی الدین ابوالفضائل حسن بن محمد صغانی لاهوری را  
 شامل است. در آخر رساله آمده: «من شرح ألفه مجدالدین شیرازی فیروزآبادی  
 سلمه الله». یک نسخه خطی در مجلس شورا موجود است.

۳۸- شوارق الأسرار العلیة فی شرح مشارق الأنوار النبویة (۷۵).  
 کتاب مشارق الانوار در حدیث است و تألیف صغانی، رضی الدین حسن بن  
 محمد متوفی ۱۹ شعبان ۶۵۰ هـ. ق. این کتاب در چهار مجلد است.

۳۹- صراط المستقیم (۷۶).  
 این کتاب در سالهای ۷۲-۱۲۷۰ در خاتمه قاموس اللغة در بمبئی چاپ  
 سنگی شده است.

۴۰- الصَّلَاة وَ الْبُشْرُ فِي صَلَاة (الصَّلَاة) عَلَى خَيْرِ الْبَشَرِ (ص) = الصَّلَات وَ  
 الْبُشْرُ فِي الصَّلَاة عَلَى خَيْرِ الْبَشَرِ (۷۷).

نسخه خطی این کتاب با تحریر ۲۴ صفر ۱۱۲۰ هـ. ق در ۸۳ برگ ۱۸ سطری  
 به شماره ۱۳۵۵ در دانشگاه مکه معظمه موجود است و رساله ۳۹ مجموعه شماره  
 ۴۹۰۰ کتابخانه مجلس در تهران.

۴۱- عِدَّة الْحُكَّام فِي شرح عمدة الأحكام (۷۸).

گزارشی است در دو مجلد از فیروزآبادی بر کتاب عمده الاحکام عن سیدالانام تألیف ابی محمدتقی الدین عبدالغنی بن عبدالواحد جماعیلی حنبلی، متوفی ۶۰۰ هـ. ق.

۴۲- الغررالمثلثة و الدرر المبهثة<sup>(۷۹)</sup>. فیروزآبادی در این کتاب، آنچه در کتاب المثلث فی اللغة، تألیف قُطْرُب نحوی، محمدبن مستنیر متوفی ۲۰۶ هـ. ق و شرح آن از قَزَاز، محمدبن جعفر قیروانی نحوی متوفی ۴۱۲ هـ. ق و کتاب المثلث، تألیف جمال الدین محمدبن معروف به ابن مالک نحوی متوفی ۶۷۲ هـ. ق، و المثلث بطلیوس نحوی، عبدالله بن محمد، متوفی ۵۲۱ هـ. ق و کتاب ابی عبدالله حنبلی و ابراهیم بن زهر بصری و کتاب الباهر ابن عدیس آمده گرد آورده است، شامل دو قسم، قسم اوّل در مثلث متفق المعانی که این قسم را به ترتیب حروف مرتب نموده است و قسم دوم در مثلث مختلف المعانی. این کتاب در پنج جلد می باشد. جرجی زیدان نسخه‌ای از این کتاب را در خزانه تیموریه نشان داده است. آقای محمدعلی تربیت نسخه‌ای از این کتاب را که به خط پسر مؤلف مورخ ۷۷۳ هـ می باشد، داشته است.

۴۲- فضل الدرة (الدر) من الخرزة فی فضل السلامة علی الخبزة<sup>(۸۰)</sup>.

سلامه و خبزه نام دو قریه در طائف است.

۴۳- الفضل الوفی فی العدل الأشرفی<sup>(۸۱)</sup>.

فیروزآبادی این کتاب را به خاطر ملک اشرف اسماعیل رسولی از جمله سلاطین رسولیه نگاشته است.

۴۴- القاموس المحيط و القابوس الوسیط الجامع لمآذهب من کلام العرب

شماطیط<sup>(۸۲)</sup>.

این کتاب، مهمترین اثر فیروزآبادی می باشد و یکی از معروفترین و معتبرترین لغتنامه‌های عربی به عربی است که به علت اهمیت و اعتبار زیادش از روزگار مؤلف تاکنون مورد عنایت بوده است و نسخه‌های خطی فراوانی از آن در کتابخانه‌های عالم موجود است که عباس عزووی از نسخه‌ای که در زمان حیات مؤلف در تاریخ ۸۱۶ هـ. ق تحریر یافته است و نسخه‌های بعدی خبر داده

است (۸۳). و نیز تکمله این مقاله از دکتر حسین علی محفوظ (۸۴). چاپهای قاموس اللغة در دو مأخذ اخیر صفحات ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۲۰۳.

همین شهرت و اعتبار قاموس باعث شده است که در تمام قرن‌ها بعد از تألیف، پیوسته مورد توجه علما قرار گیرد و شارحان و مترجمین و تلخیص‌کنندگان و حاشیه‌نویسان و نقادان به ترجمه و تصحیح و نقد و تعلیق بر آن پردازند، تنها استاد احمد عبدالغفور عطار در مقدمه الصحاح نام ۵۴ کتاب را ذکر کرده است که پیرامون قاموس (۸۵) نگارش یافته است.

فیروزآبادی این کتاب را برحسب حروف آخر کلمات اعم از اسامی و مصادر و حروف مرتب نموده تحت ابوابی و به اعتبار حروف اوائل، فصولی تنظیم داده است و از جمله خصوصیات آن ایجاز آن است که ابن حجر گوید: بهتر از این وجود ندارد در عین حال از حیث اشتمال بر واژه‌ها: فزون‌تر از صحاح جوهری می‌باشد (۸۶).

شاید همین امر موجب اشتهاش گردید و آن را جزو متداول‌ترین کتب در این زمینه قرار داد، تا آن‌جا که سلاطین آل عثمان، حقوق دانشوران را موقوف به حفظ نمودن کتاب قاموس کرده بودند (۸۷). خلاصه آن‌که از هنگامی که فیروزآبادی کتاب قاموس را تألیف نموده تا امروز، همه آن را ستوده‌اند.

فیروزآبادی، ابتدا کتابی را در لغت نگاشت به نام اللامع المَعْلَم العُجَاب الجامع بین المَحْکَم و العُباب و زیادات امتلابها الوطاب که با برآوردی که مؤلف کرده بود این کتاب، حدود یکصد جلد می‌شد که هر جلدی، اندازه صحاح جوهری، و پنج مجلد آن را نگاشت، که پدر تقی‌الدین کرمانی به فیروزآبادی دستور داد تا مختصر کند آن را لذا کتاب مزبور را گزین نمود و قاموس را ساخت (۸۸).

فیروزآبادی این اثر جاوید خود را در سال ۸۱۳ هـ ق در مکه مکرمه برابر خانه کعبه ساخته است، چنان که در آخر قاموس گوید: «... يسر الله تعالى اتمامه بمنزلي على الصفا المشرفة تجاه الكعبة المعظمة... سنة ۸۱۳ هـ ق».

هم‌اکنون معتبرترین نسخه‌ای که محققین به آن اعتماد می‌کنند، نسخه‌ای از قاموس است که به خط مؤلف می‌باشد و در مدرسه با سطیة قاهره موجود است و



پس از آن در زمان حیات مؤلف و بعد از آن تا سده ۱۳ هـ. ق پیوسته استنساخ می شده است و احصای آنها خارج از حوصله یک مقاله می باشد و از سال ۱۲۳۰ هـ. ق یعنی ۱۹۰ سال پیش که قاموس برای اولین بار چاپ و پس از آن مکرراً به زیور طبع آراسته گردیده است، در عین حال می طلبد که چاپ منقح و بهتری از این اثر صورت پذیرد؛ چون اگر قاموسی که امروز در دست ماست لااقل با آخرین نسخه‌ای که بر مؤلف قرائت شده است و مشتمل بر افزودگیهایی است که در دیگر نسخه‌ها نبوده و همچنین با برخی از نسخه‌های خطی معتبر دیگر مقابله شود خدمت بزرگی به فرهنگ اسلامی خواهد بود به‌ویژه اگر تجدید چاپ قاموس براساس کار مفتی جمهوری عربی لیبی استاد طاهر احمدزاوی باشد که فاقد خصوصیت مذکور است، لکن به ترتیب حرف اول تنظیم یافته است چون بهره آن برای مراجعین بیشتر خواهد بود (۸۹).

۴۵- قُطْبَةُ الْخُشَافِ فِي حُلِّ خُطْبَةِ الْكُشَافِ = شرح قطبة الحساف فی شرح خطبة الكشاف - قُطْبَةُ الْخُشَافِ، شرح خطبة الكشاف (۸۹).

جارالله زمخشری، محمودبن عمر متوفی ۵۳۸ هـ. ق تفسیر جامع و ارزنده‌ای نگاشته است به نام الْكُشَافِ عَنْ حَقَائِقِ التَّنْزِيلِ که مصنف درباره آن گفته است: إِنَّ التَّفَاسِيرَ فِي الدُّنْيَا بِأَعْدَدٍ وَ لَيْسَ فِيهَا لِعَمْرِي مِثْلَ كُشَافِي إِنَّ كُنْتَ تَبْغِي الْهَدْيَ فَالزَّمْ قِرَاءَتَهُ فَالْجَهْلُ كَالدَّاءِ وَالْكَشَافُ كَالشَّافِي

براین تفسیر، شروح و حواشی و تعلیقات متعددی نگاشته شده است از جمله مجدالدین فیروزآبادی، خطبه این تفسیر را گزارش نموده است و به نام قُطْبَةُ الْخُشَافِ فِي حُلِّ (لحل) خطبة الكشاف موسوم داشته است. فیروزآبادی گوید که شرح مزبور تلف شد، مجدداً شرحی از خطبه تفسیر کشاف می نویسد به سال ۷۶۸ هـ. ق و آن را به نام نغبة الرشاف من خطبة الكشاف موسوم داشته که در جای خود از آن بحث خواهیم کرد (۹۰).

۴۶- كِرَاسَةٌ فِي عِلْمِ الْحَدِيثِ (۹۱).

۴۷- اللّامِعُ الْمُعَلِّمُ الْعُجَابِ الْجَامِعِ بَيْنَ الْمُحْكَمِ وَالْعُبَابِ وَ زِيَادَاتِ

امتلأها الوطاب.

وصف این کتاب در ذیل قاموس آمده است. سخاوی گوید: پنج جلد از این کتاب را که به خطِ فیروزآبادی بوده است دیده (۹۲)\*.

۴۸- المتفق وضعاً و المختلف صنعاً = ... صنعاً (۹۳).

۴۹- المثلث الصغير في اللغة.

فیروزآبادی این کتاب را به سیاق کتاب مثلثات قُطْرُب، محمد بن مستنیر معتزلی متوفی ۲۰۶ هـ. ق ساخته است. نسخه‌ای از این کتاب در خزانه‌ی الأزهر موجود است (۹۴). مثلث صغیر شامل پنج جزء است به ترتیب حروف.

۵۰- المثلث في اللغة = المثلث الكبير في اللغة.

این کتاب شامل ۵ مجلد است. در مکتبات عامه مغرب نسخه از کتاب المثلث في اللغة از فیروزآبادی موجود است به شماره ۲۳۱ ق شامل حدود ۶۱ برگ (۹۵).

۵۱- مجمع السؤالات من صحاح الجوهري.

نام این کتاب را تنها ابن یوسف شیرازی جزو آثار فیروزآبادی ذکر کرده است. جرجی زیدان، نسخه‌ای از آن را در کتابخانه کوپرلی نشان داده است (۹۶).

۵۲- مِرْقاة الأرفعية في طبقات الشافعية (۹۷).

۵۳- مِرْقاة الوفية في طبقات الحنفية (۹۸).

۵۴- مزاد المزاد؟

تنها سخاوی نام این کتاب را جزو آثار فیروزآبادی ذکر کرده است (۹۹).

۵۵- مغانم المطابة في معالم طابة = ... في فضائل طابة (۱۰۰).

طابة: مدینه منوره است.

۵۶- مقامات فیروزآبادی (۱۰۱).

تنها ابن یوسف شیرازی این کتاب را به فیروزآبادی نسبت داده است و گوید که در مقدمه نسخه شماره ۵۷۸ مدرسه مشیرالسلطنه بدین امر تصریح شده است.

\* لامع، یعنی درخشنده. معلم، جامعه نفیس. عجاب، عجیب. المحکم، نام کتابی است تألیف ابن سیده که در لغت است. عُباب، نیز نام کتابی است در لغت تألیف صفانی، حسن بن فهد.

۵۷- مقصود ذوی الألباب فی علم الاعراب<sup>(۱۰۲)</sup>، در یک مجلد.

۵۸- مَنَح الباری بالسیح (بالشیخ - بالسنج) الفسیح المجاری فی شرح

صحيح البخاری.

گزارشی است مفصل که ربع عبادات آن مشتمل بر بیست جلد نگاشته و تمام آن گویا درچهل مجلد باشد<sup>(۱۰۳)</sup>. فیروزآبادی در این کتاب، مطالبی را از فتوحات مکیه آورده است.

۵۹- منیة السؤل فی دعوات الرسول (ص)<sup>(۱۰۴)</sup>.

۶۰- تُحَب الطرائف (الظرائف) فی النکت الشرائف<sup>(۱۰۵)</sup>.

۶۱- نزهة الأذهان فی تاریخ اصبهان. در یک مجلد<sup>(۱۰۶)</sup>.

۶۲- نزهة الطالبین و تحفة الراغبین فی شرح قصیة البرده.

فقط اسماعیل پاشا این کتاب را جزو آثار فیروزآبادی به حساب آورده است<sup>(۱۰۷)</sup>.

البته سه شرح بر قصیة برده می شناسیم که هر سه به همین نام هستند (نزهة الطالبین...) یکی از فخرالدین احمد بن محمد شیرازی که آن را در محرم ۷۹۷ هـ. ق ساخته است و در این کتاب آمده است که این کتاب را از استاد های خود نقل کرده است که یکی از اساتید مؤلف مجدالدین فیروزآبادی است و دیگر از مسعود بن محمود حسینی است که این هم به نام ((نزهة الطالبین...)) موسوم است و سوم هم از احمد بن محمد مرعشی که در شعبان ۸۰۹ هـ. ق این گزارش را پدید آورده و به نام ((نزهة الطالبین...)) نامیده است.

۶۳- نغبة الرشاف من خطبة الکشاف = بغیة الرشاف...<sup>(۱۰۸)</sup>.

چنان که ذیل کتاب قُطبة الخشّاف لحل خطبة الکشاف گذشت، فیروزآبادی یکبار خطبه تفسیر کشاف زمخسری را شرح نموده است و به نام قُطبة الخشّاف... موسوم داشته است که این کتاب نابود شده، مجدداً کتاب حاضر را ساخته است.

۶۴- نفحة العنبریة فی مولد خیر البریة (ص)<sup>(۱۰۹)</sup>.

۶۵- الوصول و المُنَى فی فضل مِنَى = الوصول و المُنَى فی فضائل مِنَى<sup>(۱۱۰)</sup>.

۶۶- رسالة فی حکم القنادیل النبویة<sup>(۱۱۱)</sup>.

## ۶۷- الإشارة الى مافی كتب الفقه من الأسماء و الأماكن و اللغات. جرجی

زیدان گوید: نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه فلاشر موجود است.

تنها ابن یوسف شیرازی نام این کتاب را جزو آثار مجدالدین فیروزآبادی به حساب آورده است و نوشته است که جرجی زیدان گوید نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه الجزائر موجود است.

باتوجه به آنچه گفته شد معلوم گردید که فیروزآبادی گرچه در رشته‌های مختلف دانش از قبیل تفسیر و علوم قرآنی، حدیث، فقه، تراجم رجال و... اطلاعات ارزنده داشته است لکن در زمینه فقه اللغة و تحقیق و تدوین لغات عربی، این دانشمند پارسی همچون خلیف صالح خود، تحقیقات بدیعی در لغت عرب داشته است، و در تکوین و تکامل این زبان سهم غیرقابل انکاری را به عهده داشته است و شاهد صادق این مدعا هم شاهکار عظیم النظیر وی است به نام قاموس طاش کپری زاده متوفی ۹۶۸ هـ ق در تأیید این گفتار می‌نویسد که در نیمه اول سده نهم هجری شش تن از دانایان بودند که هریک در فنی متخصص و سرآمد دانشمندان در آن عصر بوده‌اند که یکی از آنها مجدالدین فیروزآبادی شیرازی است در لغت و زبان‌شناسی (۱۱۲).

## مذهب فقهی و تصوّف فیروزآبادی

فیروزآبادی در فقه تابع شافعی است، لکن بیشتر متمایل به مذهب اهل‌الحديث است نه مذهب فقها؛ چنان‌که در کتاب سفرالسعاده‌اش غالباً به احادیث صحیح‌ه اعتماد می‌کند.

لکن تمایلات قوی به عرفان داشته و از کتب صوفیه و مقامات و احوالشان اطلاعات وسیعی داشته است. هنگامی که کتاب بصائر ذوی التمییز او را نگاه کنیم در مباحث توکل، إخلاص و توبه به وضوح این تمایلات عرفانی او دیده می‌شود. همچنین در شرح صحیح بخاری او غرائب منقولاتی به چشم می‌خورد به‌ویژه از فتوحات مکیه مکرّر نقل کرده است و چون از ابن عربی از او می‌پرسند فیروزآبادی، ابن عربی را چنین توصیف می‌کند: «أنه كان شیخ الطریقه حالاً و علماً، و

امام الحقیقه حقیقه و رسماً، و محیی رسوم المعارف فعلاً و اسماً».   
 إذا تغلغل فکر المرء فی طَرْفٍ من بحرہ غرقت فیہ خواطرہ...   
 خلاصه آن که مجدالدین فیروزآبادی بیش از آنچه شاگرد متعصبش ابن حجر   
 وی را به مدارا توصیف کرده است به ثنای ابن عربی برخاسته است و خود حاکی از   
 کیشش روحی وی است به سوی عرفان نه سازش (۱۱۳)

### فیروزآبادی و شعر

به گفته تقی کرمانی او در نظم و نثر فارسی و عربی در زمان خودش بی نظیر   
 بوده است. ابن حجر و سیوطی نمونه‌ای از شعر او را ذکر کرده‌اند. ابن یوسف   
 شیرازی گوید در مقدمه نسخه شماره ۵۷۸ مدرسه مشیرالسلطنه ابیاتی از   
 فیروزآبادی نقل گردیده و گوید که اگر اشعار وی جمع آوری شود دیوانی می‌شود و   
 چند نمونه اشعارش را آورده است (۱۱۴).

### ویژگیهای فیروزآبادی

او آیتی بود در قوت حافظه و وسعت قریحه، همین امر موجب گردید تا در   
 سنّ هفت سالگی قرآن را حفظ کند (۱۱۵)، و تمام وجودش را این نور فراگیرد. او   
 عاشق علم و دانش بود و نیروی حفظ او بدین خواسته مدد می‌رساند. ابن حجر   
 عسقلانی از او نقل می‌کند که می‌گفت: هر شبی تا دویست سطر حفظ نمی‌کردم   
 به خواب نمی‌رفتم (۱۱۶). فیروزآبادی به کتاب و کتاب خواندن بسیار علاقه داشت.   
 سخاوی از او نقل می‌کند که معادل پنجاه هزار مثقال طلا (۱۳۰۰۰۰۰۰۰ تومان)   
 کتاب خطی خریده‌ام و به هر سفری که می‌رفت کتابهایش را چندین شتر حمل   
 می‌کردند و به هر منزلی که فرود می‌آمد کتابهای مورد مراجعه‌اش را بیرون می‌آورد   
 و مطالعه می‌نمود، سپس بار می‌نمود به هنگام حرکت به منزل دیگری، و هرگاه   
 نیازی به پول پیدا می‌کرد آنها را می‌فروخت (۱۱۷).

نسخه‌های خطی ارزشمندی را که می‌دید، بخل نمی‌ورزید، هرچند آن کتاب   
 گرانبها بود می‌خرید. علاقه شدیدی او به گردآوری کتابهای خطی و نفائس و

دست نوشته‌های گران قیمت در این زمینه هیچ‌گونه حسّتی نداشت، نتیجتاً چیزی از مال دنیا در دست او نمی ماند و مجبور به فروش کتابهایش می شد.

دیگر از ویژگیهای فیروزآبادی که بسیار جلب نظر می کرد، تواضع و فروتنی زیاد او بود که خداوند او را به این زیبایی آراسته بود. او در آغاز کتاب قاموس اسم خود را نمی آورد، بلکه به طوری که در آخر برخی از نسخه‌ها آمده چنین نوشته است: قال مؤلفه الملتجیء إلى حرم اللّٰه محمد بن یعقوب الفیروزآبادی: هذا آخر القاموس... راجیاً ان یكون خالصاً لوجه اللّٰه الکریم و رضوانه، و قدیسر اللّٰه تعالی اتمامه بمنزلی علی - الصفا - . فیروزآباد به قرب جوار کعبه افتخار می کند. در مادّه «صفو» در قاموس، می گوید، والصفاء: من مشاعر مکه، بلحف اُبی قبیس، و ابنتیت علی متنه دارا فیحاء... ذکر این مطلب از یک دانشمند لغوی در این مورد تناسبی ندارد، جز آن که بگویم او به داشتن خانه‌ای نزدیک کعبه مباهات می کند و بسیار شادمان است.

دیگر از ویژگیهای فیروزآبادی این است که ارتباطات مردمی او بسیار قوی و اتصالاتش با حُکّام و امرا و سلاطین استوار بود.

با آن همه مسافرت‌هایی که داشته به هر شهری که وارد می شد، حاکم و والی آن شهر از او استقبال می نمود و مقدمش را گرامی می داشت. تاریخ نمونه‌هایی از این موقعیت و مقام را نشان داده است. ابن شجاع حاکم تبریز، بی نهایت از او پذیرایی کرده است، همچنین اشرف شعبان سلطان مصر و اشرف اسماعیل پادشاه یمن و با یزید عثمانی سلطان سلسله عثمانیه (۱۱۸).

در خاتمه باید افزود که علاوه بر این خصوصیات که ذکر شد، فیروزآبادی دارای خط خوشی هم بوده است، فاسی گوید: او زیبا می نوشت با این که تندنویس بود، و چون بادقت، چیز می نوشت خط او بسیار شیرین و عالی بود (۱۱۹).

## وفات فیروزآبادی

ابن حجر که شاگرد فیروزآبادی بوده است تاریخ وفات استاد خود را شب بیستم ماه شوال سال ۸۱۷ هـ ق ثبت نموده است. سخاوی که شاگرد ابن حجر بوده

است نیز همین قول را انتخاب نموده است (۱۲۰).

سیوطی متوفی ۹۱۱ هـ. ق وفات فیروزآبادی را شب بیستم شوال سال ۸۱۶ هـ. ق نگاشته است (۱۲۱). و طاش کپزی زاده متوفی ۹۶۸ هـ. ق وفات او را در شب بیستم شوال سال ۸۱۶ یا ۸۱۷ هـ. ق نوشته (۱۲۲). و ادوارد فن‌دیک درگذشت فیروزآبادی را ۸۲۰ هـ. ق نوشته است (۱۲۳). که گویا سهوی باشد چون اکثر مورخین به قول شاگرد فیروزآبادی و سخاوی بیشتر اعتماد کرده‌اند، چون در زمان مؤلف می‌زیسته است.

از آن‌جا که تاریخ ولادت فیروزآبادی ۷۲۹ هـ. ق بوده و اصح اقوال در وفاتش سال ۸۱۷ هـ. ق می‌باشد؛ بنابراین وی هشتاد و هشت سال عمر نموده است، در حالی که به هنگام درگذشت هیچ یک از قوای او کاسته نشده و در زبید یمن در مقبره شیخ اسماعیل جبرتی مدفون گردیده است. از او پسری موسوم به سراج‌الدین یعقوب باقی ماند که پس از ادای مناسک حج به شیراز بازگشت و در آن‌جا از مواعظ نیکو و نصایح سودمندش مردم را منتفع می‌ساخت تا در سال ۸۴۲ هـ. ق در شیراز درگذشت و همان‌جا مدفون گردید (۱۲۴).

هنر اکنون همه در خاک طلب باید کرد - چون که اندر دل خاکند همه پرهبران

## يادداشتها

- ١- تاريخ الأدب العربي، تأليف كارل بروكلمان، ترجمه به عربى از دكتور عبدالحليم نجار. قاهره، دارالمعارف [١٩٧٤ م]: ٢/٢٥٧.
- ٢- تاريخ التّراث العربى، تأليف فؤاد سزگين. قم، مكتبة آية الله مرعشى، ١٤١٢ هـ ق: ١/٨: ٣٤٤.
- ٣- همان جا: ٣٤٦.
- ٤- بُغية الوعاة في طبقات اللغويين و النحاة، تأليف جلال الدين عبدالرحمان سيوطى شافعى، متوفى ٩١١ هـ ق. بيروت، دارالمعرفه، [بى تا]: ١٦٩-١٧٠.
- ٥- رجال نجاشى، تأليف ابوالعباس احمد بن على نجاشى اسدى كوفى متوفى ٤٥٠ هـ ق. قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ١٤١٦ هـ ق: ٩٧.
- ٦- فهرست ابن نديم، تأليف ابوالفرج محمد بن أبى يعقوب اسحاق معروف به ابن نديم متوفى ٣٨٠ هـ ق. تهران، اسدى، [١٣٥٠ شمسى]: ١٧١.
- ٧- همان جا: ١٥٤.
- ٨- المنتظم فى تاريخ الملوك و الامم، تأليف ابى الفرج عبدالرحمان بن على جوزى متوفى ٥٩٧ هـ ق. بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٢ هـ ق: ١٤/٣٧٥ به بعد؛ و فيات الأعيان و أنباء أبناء الزّمان. تأليف ابن خلكان، احمد بن محمد متوفى ٦٨١ هـ ق. قاهره، مكتبة النهضة، ١٣٦٧ هـ ق: ١/٢٠٦ به بعد.
- ٩- كشف الظّنون عن اسامى الكتب و الفنون، تأليف حاجى خليفه، مصطفى بن عبدالله، بغداد، مكتبة المثنى [بى تا]: ٢/١٦٢١.
- ١٠- المزهرة فى علوم اللغة و انواعها، تأليف جلال الدين سيوطى، عبدالرحمان بن أبى بكر، متوفى ٩١١ هـ ق، قاهره، دار احياء الكتب العربيّة [بى تا]: ١/٩٦.
- ١١- الصّوء اللّامع لأهل القرن التّاسع، تأليف شمس الدين محمد بن عبدالرحمان سخاوى متوفى ٩٠٢ هـ ق، بيروت، دار مكتبة الحياة: ١٠/٧٩.



- ۱۲- إنباء العُمر بأبناء العُمر، تألیف حافظ احمد بن علی بن حجر عسقلانی شافعی متوفی ۸۵۲ هـ ق، قاهره، المجلس الأعلى للشؤون الاسلامیه، ۱۳۹۲ هـ ق: ۴۷/۳.
- ۱۳- الضوء اللامع: ۷۹/۱۰.
- ۱۴- شَدْرَاتُ الذهب فی اخبار من ذهب، تألیف ابی الفلاح عبدالحي بن عماد حنبلی متوفی ۱۰۸۹ هـ ق، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا]: ۱۲۶/۷.
- ۱۵- بغیة الوعاة: ۱۱۷.
- ۱۶- هَدِيَّةُ العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنِّفين، تألیف اسماعیل پاشا بن محمد امین بابایی بغدادی، افست، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۷ هـ ق: ۱۸۰/۲.
- ۱۷- روضات الجنَّات فی احوال العلماء و السادات، تألیف میرزا محمد باقر بن زین العابدین موسوی خوانساری متوفی ۱۳۱۳ هـ ق، تهران، اسماعیلیان: ۱۰۱/۸.
- ۱۸- الشقائق التُّعمانية فی علماء الدَّولة العثمانیة، تألیف طاش کبری زاده، احمد بن مصلح الدین مصطفی متوفی ۹۶۸ هـ ق، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۵ هـ ق: ۲۲.
- ۱۹- اصطلاحات القاموس، تألیف نصر بن یونس الهورینی و فائی اشعری متوفی ۱۲۹۱ هـ ق. [مقدمه، قاموس فیروزآبادی]. قاهره، مؤسسه حلبی و شرکاء، [بی تا]: ۳/۱.
- ۲۰- الکنی و الألقاب، تألیف حاج شیخ عباس بن محمد رضا قمی، متوفی ۱۳۵۹ هـ ق. نجف، مطبعه حیدریه، ۱۳۸۹ هـ ق: ۳۹/۳.
- ۲۱- آثار العجم، اثر سید محمد نصیر حسینی «فرصت الدوله» تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۲ ش: ۱۲۵.
- ۲۲- معجم البلدان، تألیف یاقوت بن عبدالله متوفی ۶۲۶ هـ ق. بیروت، دار صادر، [بی تا]: ۴۲۸/۴.
- ۲۳- مسالک و ممالک، تألیف اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد متوفی ۳۴۶ هـ ق، ترجمه فارسی قرن پنجم / ششم هجری. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش: ۱۰۰ و ۱۰۹ و ۱۱۱.
- ۲۴- صورة الارض، تألیف ابن حوقل، محمد بن حوقل بغدادی متوفی ۳۵۰ هـ ق. ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵ ش: ۴۵ و ۵۴ و ۵۵ و ۴۱.

- ۲۵- آثار شهرهای باستانی، سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، تألیف احمد اقتداری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵ ش: ۹۱ و ۴۳۶ و ۵۷۰.
- ۲۶- إنباء العُمر بأنباء العُمر: ۴۷/۳.
- ۲۷- كشف الظنون: ۱۳/۲ - ۱۹۱۲.
- ۲۸- شیرازنامه، تألیف ابوالعباس معین‌الدین احمد بن شهاب‌الدین ابی‌الخیر زركوب شیرازی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ ش: ۱۴۵ بعد.
- ۲۹- جستجو در تصوف ایران، تألیف دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷ ش: ۲۱۸.
- ۳۰- تحریر تاریخ و صّاف، تألیف شرف‌الدین عبداللّه بن فضل‌الله شیرازی معروف به و صّاف الحضرة. تحریر عبدالمحمد آیتی. تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ ش: ۲۶۴ و تحریر دوم. تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲ ش: ۲۴۲.
- ۳۱- الضوء اللامع: ۷۹-۸۰/۱۰.
- ۳۲- الجاسوس علی القاموس، تألیف، احمد فارس افندی، قسطنطنیه، مطبعة الجوائب، ۱۲۹۹ هـ ق: ۱۲۹ و ۱۳۰.
- ۳۳- الضوء اللامع: ۸۰/۱۰.
- ۳۴- الذیل علی رفع الإصر - او - بغية العلماء و الرواة، تألیف سخاوی، عبدالرحمن متوفی ۹۰۲ هـ ق: قاهره، دارالمصرية للتألیف و الترجمة [بی تا]: ۷۸.
- ۳۵- المجد الفيروزآبادی و القاموس المحيط، عباس‌العزازی مجله مجمع‌العلمی العراقي، جلد ششم، ۱۳۷۸ هـ ق: ۲۹۹ و ۳۰۰.
- ۳۶- ذیل تذكرة الحفاظ، تألیف شمس‌الدین ذهبی، محمد بن علی دمشقی. بیروت، دار احیاء التراث: ۳۸۰.
- ۳۷- كشف الظنون عن اسامی الكتب و الفنون، تألیف حاجی خلیفه، مصطفی بن عبداللّه: ۳۵/۲ و ۱۳۳۴.
- ۳۸- هدیة العارفين: ۱۸۱/۲ - ۱۸۰؛ الضوء اللامع: ۸۲/۱۰.
- ۳۹- كشف الظنون: ۱۴/۱.

- ۴۰- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ هدية العارفين: ۱۸۰/۲؛ كشف الظنون ۱/۱۴.
- ۴۱- إنباء العُمر بآباء العُمر: ۴۸/۳؛ كشف الظنون: ۸۵/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۰/۲؛  
الضوء اللامع: ۸۲/۱۰.
- ۴۲- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰.
- ۴۳- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ هدية العارفين: ۱۸۰/۲؛ روضات الجنات: ۱۰۳/۸؛  
ريحانة الادب: ۳۶۶/۴.
- ۴۴- هدية العارفين: ۱۸۰/۲؛ الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ ايضاح المكنون: ۸۰/۱.
- ۴۵- هدية العارفين: ۱۸۰/۲؛ كشف الظنون: ۹۰/۱.
- ۴۶- هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ ايضاح المكنون: ۱۰۶/۱.
- ۴۷- مقدمه كتاب بصائر ذوى التمييز به نقل از كتاب العقد الثمين: ۲۳/۱؛  
الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ روضات الجنات: ۱۰۳/۸؛  
كشف الظنون: ۱۶۷/۱.
- ۴۸- هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ كشف الظنون: ۱۴۹/۱.
- ۴۹- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ كشف الظنون: ۱۸۶/۱؛  
ريحانة الادب: ۳۶۶/۴.
- ۵۰- تاريخ التراث العربى: ۳۸۲/۸؛ كشف الظنون: ۱۶۰۵/۲؛ الضوء اللامع:  
۸۲/۱۰.
- ۵۱- الضوء اللامع: ۸۱/۱۰؛ كشف الظنون: ۲۴۶/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛  
ريحانة الادب: ۳۶۶/۴.
- ۵۲- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۱۹۱/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۵۳- تاريخ التراث العربى: ۳۰/۸؛ الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۲۵۲/۱؛  
هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۵۴- كشف الظنون: ۳۴۴/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۵۵- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۳۴۵/۱ و ۱۶۹۹/۲؛ هدية العارفين:  
۱۸۱/۲.
- ۵۶- مقدمه بصائر ذوى التمييز: ۲۴/۱؛ كشف الظنون: ۳۵۴/۱؛ هدية العارفين:

- ۱۸۱/۲؛ الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ إنباء العُمر بأنباء العُمر: ۴۹/۳.
- ۵۷- فهرست کتابهای چاپی عربی ایران از آغاز چاپ تاکنون، سایر کشورها، پیشتر از سال ۱۳۴۰ هـ به بعد. تألیف خانابامشار. تهران، ۱۳۴۴ ش: ۱۶۸ و ۹۶۸.
- ۵۸- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۳۷۲/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲
- ۵۹- الضوء اللامع: ۸۳/۱۰؛ بصائر ذوی التمییز: ۲۵/۱؛ كشف الظنون: ۴۰۱/۱؛ فهرست الفبایی كتب خطی کتابخانه مرکزی، آستان قدس رضوی، تألیف محمد آصف فکرت، مشهد، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹: ۱۲۴.
- ۶۰- إنباء العُمر فی أنباء العُمر: ۴۶/۳؛ مقدمه ابوالوفاء هورینی بر قاموس: ۲۹/۱؛ كشف الظنون: ۴۰۵/۱ و ۵۳۷؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ بغية الوعاة: ۱۱۸.
- ۶۱- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۴۲۵/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۶۲- الضوء اللامع: ۸۱/۱۰؛ كشف الظنون: ۵۰۲/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ فهرست کتابهای چاپی عربی: ۲۲۳.
- ۶۳- هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ ريحانة الادب: ۳۶۷/۴.
- ۶۴- الضوء اللامع: ۸۱/۱۰؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ بصائر ذوی التمییز: ۲۲/۱؛ كشف الظنون: ۵۱۹/۱.
- ۶۵- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۵۹۳/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ بغية الوعاة: ۱۱۸.
- ۶۶- الضوء اللامع: ۸۱/۱۰؛ كشف الظنون: ۶۲۴/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۱؛ ريحانة الادب: ۳۶۷/۴.
- ۶۷- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۷۳۲/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ ريحانة الادب: ۳۶۷/۴.
- ۶۸- الضوء اللامع: ۸۱/۱۰؛ كشف الظنون: ۷۳۶/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ ريحانة الادب: ۳۶۷/۴؛ فهرست سپهسالار: ۲۳۵/۲.
- ۶۹- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۷۴۹/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ فهرس دارالکتب المصرية: ۱۳/۲؛ فهرست سپهسالار: ۲۳۷/۲.
- ۷۰- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۹۲۰/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛

بغية الوعاه: ۱۱۸.

۷۱- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۹۳۳/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛  
ريحانة الادب: ۳۶۷/۴.

۷۲- الضوء اللامع: ۸۳/۱۰؛ شذرات الذهب فى اخبار من ذهب: ۱۲۸/۷؛  
هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ ریحانة الادب: ۳۶۷/۴.

۷۳- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۹۹۱/۲؛ بصائر ذوى التمييز: ۲۴/۱؛  
هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ معجم المطبوعات العربية و المعربة، تأليف يوسف الياس  
سركيس، قم، مكتبة آية الله مرعشى، ۱۴۱۰ هـ ق: ۱۴۷۰/۲.

۷۴- فهرست نسخه هاى خطى كتابخانه مجلس شورای اسلامى، به كوشش على  
صدرايى خويى، قم، دفتر تبليغات اسلامى، ۱۳۷۷ ش: ۴۳۸/۳۷.

۷۵- إنباء العُمر بانباء العمر: ۴۹/۳؛ الضوء اللامع: ۸۱/۱۰؛ هدية العارفين:  
۱۸۱/۲؛ بصائر ذوى التمييز: ۲۲/۱.

۷۶- فهرست كتابهاى چاپى و عربى: ۵۸۹.

۷۷- شذرات الذهب: ۱۲۸/۷؛ الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۱۰۸۱/۲؛  
هدية العارفين: ۱۸۱/۲، فهرس مخطوطات جامعة ام القرى، مکه مکرمه، جامعه،  
۱۴۰۷ هـ ق: ۱۸۶/۲؛ فهرست مجلس: ۷۰/۱۴.

۷۸- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ بغية الوعاه: ۱۱۸؛ بصائر ذوى التمييز: ۲۲/۱؛  
كشف الظنون: ۱۱۶۵/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.

۷۹- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۱۲۰۱/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛  
فهرست سپهسالار: ۲۳۷/۲.

۸۰- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۱۲۶۰/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.

۸۱- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون: ۱۲۸۰/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛  
روضات الجنات: ۱۳۰/۸.

۸۲- إنباء العُمر فى إنباء العُمر: ۴۸/۳؛ الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ كشف الظنون:  
۱۳۰۶/۲ و...

۸۳- المجد الفيروزآبادى و القاموس المحيط، تأليف عباس العزاوى، در مجلة

- مجمع العلمى العراقى، مجلد ششم (١٣٧٨ هـ ق): ٣٠٥ به بعد.
- ٨٤- الفيروزآبادى والقاموس، از دكتور حسين على محفوظ، مجلة كلية الآداب -  
جامعه بغداد، بغداد، ١٩٦١: ١٩٩.
- ٨٥- مقدمة الصحاح، تأليف احمد عبدالغفور عطّار، بيروت، دارالعلم للملّيين.  
١٣٩٩ هـ ق: ١٧٩-١٧٣.
- ٨٦- إنباء العُمر فى إنباء العُمر: ٤٨/٣.
- ٨٧- مجلة كلية الآداب، جامعة بغداد: ١٩٩.
- ٨٨- الضوء اللامع: ٨٣/١٠.
- ٨٩- ترتيب القاموس على طريقة المصباح المنير و اساس البلاغه، تأليف استاد  
طاهر احمد زاوى، [قاهره]، عيسى البابى الجلسى، ١٣٧٨ هـ ق.
- ٩٠- الضوء اللامع: ٨١/١٠؛ بصائر ذوى التمييز: ٢٢/١؛ بغية الوعاة: ١١٨؛  
كشف الظنون: ١٤٨٠/٢؛ هديه العارفين: ١٨١/٢.
- ٩١- الضوء اللامع: ٨٢/١٠.
- ٩٢- الضوء اللامع: ٨٢/١٠؛ إنباء العُمر بإنباء العُمر: ٤٨/٣؛ كشف الظنون:  
١٥٣٦/٢؛ هديه العارفين: ١٨١/٢؛ بصائر ذوى التمييز: ٢٤/١.
- ٩٣- الضوء اللامع: ٨٢/١٠؛ كشف الظنون: ١٥٨٥/٢؛ هديه العارفين: ١٨١/٢؛  
شذرات الذهب: ١٢٨/٧.
- ٩٤- الضوء اللامع: ٨٢/١٠؛ فهرس خزانه الازهر: ٢٠/٤؛ كشف الظنون:  
١٥٨٧/٢؛ تاريخ التراث العربى: ٩٨/٨.
- ٩٥- مجموعة مختارة لمخطوطاتٍ عربيّة نادرة من مكتبات عامه فى المغرب،  
إعداد مركز الخدمات و الابحاث الثقافية، بيروت عالم الكتب، ١٤٠٧ هـ ق: ٥١/١؛  
الضوء اللامع: ٨٢/١٠؛ كشف الظنون: ١٥٨٧/٢.
- ٩٦- فهرست سپهسالار: ٢٤٧/٢.
- ٩٧- كشف الظنون: ١٦٥٦/٢؛ هديه العارفين: ١٨١/٢.
- ٩٨- الضوء اللامع: ٨٢/١٠؛ كشف الظنون: ١٦٥٧/٢؛ شذرات الذهب: ١٢٨/٧.
- ٩٩- الضوء اللامع: ٨٣/١٠.

- ۱۰۰- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ بصائر ذوی التمييز: ۲۳/۱؛ كشف الظنون: ۱۷۴۷/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۱- فهرست سپهسالار: ۲۳۷/۲.
- ۱۰۲- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ شذرات الذهب: ۱۲۸/۷؛ كشف الظنون: ۱۸۰۶/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۳- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ إنباء العُمر بانباء العُمر: ۴۸/۳؛ بصائر ذوی التمييز: ۲۲/۱؛ كشف الظنون: ۵۵۰/۱؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۴- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ شذرات الذهب: ۱۲۸/۲؛ كشف الظنون: ۱۸۸۵/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۵- الضوء اللامع: ۸۳/۱۰؛ شذرات الذهب: ۱۲۸/۷؛ كشف الظنون: ۱۹۳۹/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۶- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ ريحانة الادب: ۳۶۷/۴؛ روضات الجنات: ۱۰۳/۸؛ كشف الظنون: ۱۹۳۹/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۷- هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۰۸- كشف الظنون: ۱۴۸۰/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲؛ ريحانة الأدب: ۳۶۷/۴.
- ۱۰۹- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ شذرات الذهب: ۱۲۸/۷؛ ريحانة الادب: ۳۶۷/۴؛ كشف الظنون: ۱۹۶۹/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۱۰- الضوء اللامع: ۸۲/۱۰؛ شذرات الذهب: ۱۲۸/۷؛ كشف الظنون: ۲۰۱۴/۲؛ هدية العارفين: ۱۸۱/۲.
- ۱۱۱- فهرست سپهسالار: ۲۳۷/۲.
- ۱۱۲- الشقائق النعمانية: ۲۲.
- ۱۱۳- العقد الثمين، تأليف محمد بن احمد فاسي متوفى ۸۳۲ هـ ق تحقيق استاد فؤاد سيّد: ۳۹۸/۲؛ إنباء العُمر: ۴۹/۳؛ بصائر ذوی التمييز: ۱۳/۱.
- ۱۱۴- إنباء العُمر: ۵۰/۳؛ بغية الوعاه: ۱۱۸؛ فهرست سپهسالار: ۲۳۴/۲.
- ۱۱۵- الشقائق النعمانية: ۲۲؛ الضوء اللامع: ۷۹/۱۰.
- ۱۱۶- إنباء العُمر بانباء العُمر: ۴۹/۳.

- ١١٧- الضوء اللامع: ٨١/١٠؛ بغية الوعاه: ١١٧.
- ١١٨- إنباء الغمر بانباء العُمر: ٤٨/٣.
- ١١٩- عقد الثمين: ٤٠٠/٢.
- ١٢٠- إنباء العُمر: ٥٠/٣؛ الضوء اللامع: ٨٦/١٠.
- ١٢١- بغية الوعاه: ١١٨.
- ١٢٢- الشقائق النعمانية: ٢٢.
- ١٢٣- اكتفاء القنوع بما هو مطبوع، تأليف ادوارد فنديک، مع مقدمة آية الله المرعشي، قم، مكتبة آية الله مرعشي، ١٤٠٩ هـ ق: ٩٧.
- ١٢٤- بزرگان شیراز، تأليف رحمت الله مهراز، تهران، انجمن آثار ملی، ١٣٤٨ ش: ٣٠٠.